



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران



مرکز آزمون علمی و پژوهشی



96170-82805



پایگاه اطلاع رسانی علمی و پژوهشی



Persia Int



CIVILICA



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران

حجیت نظر کارشناس در فقه اسلامی و قانون

نویسنده اول: رضا کشاورز

keshavarzreza14@gmail.com - استادیار دانشگاه حکیم سبزواری -

نویسنده دوم: علی فاضل مهر

alifazelmehr6468@gmail.com - دانشجوی کارشناسی رشته حقوق دانشگاه حکیم سبزواری -

چکیده:

دگرگونی های ایجاد شده در ابعاد زندگی بشر در دهه های اخیر روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و... را بسیار پیچیده و مملو از پدیده های بدیع و نو ظهور نموده و به دنبال آن جرائم و تجاوز به حقوق دیگران نیز به نوعی متحول شده که پرداختن به همه آنها و تجزیه و تحلیل مسائل بدون کمک و اظهار نظر افراد متخصص و اهل فن را غیر مقدور ساخته است. به دلیل این دگرگونیها جامعه بشری ناگزیر از تخصصی نمودن امور گردیده و به همین دلیل موضوع بحث کارشناسی از اهمیت ویژه ای برخوردار گردیده است. در بسیاری از اختلافات به لحاظ شرایط و ماهیت خاص امکان رسیدگی قضایی مستلزم به اظهار نظر اشخاص متخصص و مورد اطمینان است تا قضات بتوانند با اطمینان خاطر احکام عادلانه تری را صادر کنند. نظر اهل خبره و کارشناسان در محاکم و حل اختلافات باعث می شود آراء قضایی دارای پشتوانه بیشتری باشند و بتوانند هرچه بهتر بستر عدالت را فراهم نمایند ولذا به همین دلیل ارجاع امور به کارشناس از اهمیت ویژه ای و مهمی برخوردار است. در این پژوهش سعی شده است میزان حجیت و اعتبار نظر کارشناس در ادله مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حجیت، کارشناس، دلیل، فقه، قانون



مقدمه:

«کارشناسی» از جمله مهم‌ترین دلایل اثبات است که در غالب پرونده‌ها مورد استناد قرار می‌گیرد و کمتر پرونده‌ای می‌توان یافت که در آن موضوعات تخصصی که نیاز به بررسی فنی توسط کارشناس دارد، مطرح نباشد. از این رو، ارجاع امور به کارشناس و صدور قرار کارشناسی به اقدامی متداول در رسیدگی به دعاوی تبدیل شده است. بسیاری از آرای محاکم نیز مبتنی بر نظر کارشناس و مستند به آن است. اهمیت ویژه کارشناسی در رسیدگی به دعاوی، طلب می‌کند که احکام و آثار و رابطه آن با سایر ادله اثبات مورد توجه قرار گیرد و با تبیین هر چه بیش‌تر موقعیت و حجیت اعتبار آن، از برخی اشتباهات قضایی در این رابطه، جلوگیری شود.

در حقوق اسلام نظر اهل خبره به طور وسیع مورد توجه قرار گرفته و در ابواب مختلف فقه به نحو گسترده، به نظر اهل خبره استناد شده و مصادیق متعددی از موضوعات تخصصی که در آنها رجوع به اهل خبره ضرورت دارد مطرح شده است.

با توجه به تحول، توسعه و پیشرفت‌های حاصله در این دوران اثبات برخی از موضوعات از پیچیدگی خاصی برخوردار شده و تشخیص آنها نیازمند خبرویت و تخصص خاص است که با ارائه معلومات فنی و تخصصی، حقیقت موضوع روشن می‌شود از این رو رجوع به کارشناسان و خبرگان جهت انجام تحقیقات و کشف واقعیت در بسیاری از مباحث اعم از کیفری، حقوقی، خانوادگی و امور حسبی و... از اهمیت بالایی برخوردار است مانند ارزیابی و تعیین میزان خسارات ناشی از تصادفات وسائط نقلیه، تعیین ارزش سهام و سهم الشرکه شرکتها و کارخانجات، کارشناسی خط و امضاء، تعیین اجاره بها و اجرت المثل و امور مربوط به ابنیه و برآورد خسارت آنها، تعیین سرقتی و حق کسب و پیشه، تشخیص و تطبیق و تعیین حدود ثبتی و اختلافات ملکی و بسیاری از امور دیگر از اهمیت خاصی برخوردار گردیده که می‌بایست توسط کارشناسان و ارباب فن معلوم گردد تا اینکه دادرس با حصول شرایط دیگر نسبت به رسیدگی و صدور حکم قضیه اقدام نماید.

از آنجا که حکم تابع موضوع است و با تبدیل موضوع حکم نیز تغییر و با تقرر آن حکم نیز تقرر می‌یابد. لذا موضوع مجهول با تشخیص کارشناس معلوم و جهات تاریک و ابهام آن برطرف و چهره واقعی آن نمایان می‌شود. در واقع کارشناس، موضوع شناسی و دادرس، حکم یابی می‌کند و حکم واقعه را با حصول شرایط دیگر بر موضوع حمل می‌کند از این رو که حکم دادرس تبعیت از موضوع شناسی کارشناسی می‌کند اهمیت آن روشن می‌شود امروزه قضات به لحاظ پیچیدگی، امور را به کارشناس و اهل فن ارجاع می‌دهند سوال آن است که قاضی مجبور است براساس نظریه کارشناس رای دهد یا نه به عبارت دیگر نظر کارشناس حجیت دارد یا خیر در این نوشتار به جهت اهمیت موضوع؛ میزان اعتبار و حجیت نظریه کارشناس مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مفاهیم، تاریخچه و اهمیت کارشناسی:

۱- حجّیت: حجیت عبارت از حجت بودن است، و «حجت» در لغت به معانی نمودار، دلیل، بینه، و آنچه بدان دعوی ثابت شود آمده است: مادل علی صحّة الدعوی، و قیل الحجّه و الدلیل واحد. (دهخدا، ۱۳۳۰، حرف ح) [۱]

حجت و حجّیت یک اصطلاح اصولی است. در اصول، بحث از حجّیت ادله فقه و احکام الهی (کتاب، سنت، عقل، اجماع، قیاس) موضوع اصلی و محوری اصول فقه را تشکیل می‌دهد. در یک تعریف کاربردی از آن، گفته شده است: حجت همان چیزی است که به آن احتجاج شود؛ از یک طرف، یعنی از جانب شارع مقدس، منجزیت را به دنبال دارد و موجب عقاب در صورت مخالفت می‌گردد، و از جانب دیگر، یعنی مکلف، حجت معذر از عقاب در صورت خطا و عدم دست‌یابی به واقع است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶، ص ۲۳۰) [۲] در کل، می‌توان گفت که اصطلاح و تعریف اصولی از حجت همان معنای لغوی کلمه است. منظور ما همین معنای لغوی کلمه البته در قلمرو قضا و اثبات قضایی است.



۲- کارشناس: کارشناس در لغت به معنای دانای کار، دانشمند، بخرد، خبره، متخصص و در اصطلاح به شخصی گفته می شود که دارای تخصصی در علم یا فنی باشد. (مردانی ۱۳۸۰، ص ۱۵۳) [۳] این اصطلاح را فرهنگستان به جای اصطلاح «خبرویت» متداول در دادگستری پذیرفته است. (معین، ۱۳۶۴، ص ۲۸۰۹) [۴] کارشناس مترادف «اهل خبره» و «اهل معرفه» شناخته شده و اهل خبره کسانی معرفی شده اند که در «موضوع عادی یا معنوی معین دارای بصیرت و اطلاعات خاص که از ممارست متمادی آنها حاصل شده است، باشند». (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۹۷) [۵]

همچنین گفته شده «کارشناس» عبارت است از: «شخصی که به مناسبت علم یا شغل یا کسب، دارای معلومات و تشخیص لازم باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۵۶۳) [۵]

۳- کارشناسی: کارشناسی در لغت به معنای شناسایی کار معرفت به امور و خبرگی می باشد. در اصطلاح کارشناسی «تحقیقی است که دادگاه، به منظور تمیز حق یا تمهید مقدمات آن، بر عهده شخص صلاحیت داری به نام کارشناس می نهد و از او می خواهد که اطلاعات فنی و حرفه ای را که در دسترس دادگاه نیست، در اختیار دادرس قرار دهد یا اعتقاد و استنباط خود را از قرائن فنی و علمی بیان کند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷-۳۱۸) [۶] در فقه با وجود اینکه در موارد پراکنده و مکرر به نظر اهل خبره استناد شده و از آن سخن به میان آمده است فقها توجه کمتری به ارائه یک تعریف جامع از آن کرده اند بیشتر به بیان شرایط و اعتبار آن پرداخته اند.

بنابراین با توجه به تعاریفی که از کارشناس و اهل خبره ارائه شده و با در نظر گرفتن این مطلب «نظر کارشناسی» رامی توان رجوع به اهل خبره برای تشخیص امور فنی و تخصصی جهت اثبات دعوی دانست در تعریف کارشناسی می توان گفت: عبارت است از رجوع به شخص یا اشخاصی که به سبب ممارست و مهارت و تجربه در موضوع یا موضوعاتی از امور فنی و تخصصی، صاحب نظر هستند و کسب نظر از آنها برای تشخیص موضوعاتی که شناخت آنها نیاز به تخصص بوده است.

پیشینه تاریخی:

با توجه به تعریفی که از کارشناسی ارائه شد، معلوم است که کارشناسی لازمه وجود علم و فن و صاحبان علوم و فنون از یک طرف و عدم آگاهی و عدم مهارت و نیاز به استفاده از علوم و فنون از طرف دیگر است. در عین حال، انسان به خاطر طبیعت ناطق و اهل خرد و اندیشه بودن، از ابتدای خلقت، به دنبال کسب دانش و تجربه بوده است.

از این رو می توان گفت تاریخ کارشناسی، به معنای رجوع افراد عادی به صاحبان علم و مهارت، به اندازه تاریخ حیات بشر است. با این ویژگی ها در جوامع اولیه، به علت عدم توسعه فنون، نیاز بشر به رجوع به کارشناس و اهل خبره کمتر احساس می شده و با پیشرفت دانش ها و صنایع، این نیاز بیشتر خود را نشان داده و به دنبال آن مراجعه به کارشناس، اهمیت بیشتری یافته است.

در حقوق اسلام نیز، موضوع کارشناسی و رجوع به اهل خبره از ابتدا مطرح بوده و مخصوص دوران معاصر نیست، بلکه تاریخ آن به زمان نزول قرآن برمی گردد. در اعتبار کارشناسی به برخی از آیات قرآن کریم از جمله آیه شریفه: «فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون» (سوره نحل: ۴۳) منظور از اهل ذکر را اهل دانش و تخصص شناخته اند. بعضی کارشناسی را یکی از ادله مهم در فقه معرفی کرده اند که با گذشت زمان، اهمیت بیشتر یافته است و قاضی به آن توجه بیشتر کرده است و روایات زیادی در ابواب مختلف فقهی وجود دارد که به صورت مستقیم و غیر مستقیم به نظر کارشناس (اهل خبره) توجه شده است.

در حقوق موضوعه و آغاز تدوین آیین دادرسی مدنی ایران، موضوع ارجاع به کارشناسی اهمیت ویژه ای داشت. در ماده ی ۸۷ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰ هجری شمسی، محکمه صلح می توانست به نظر خود یا درخواست اصحاب دعوا یا یکی از آنان اطلاعات اهل خبره را بخواهد. (شمس ۱۳۸۳، ص ۲۸۳) [۷] و در ۲۳ بهمن ۱۳۱۷، قانون راجع به کارشناسان رسمی با سی ماده تصویب شد. این قانون، با قانونی که در ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ به تصویب کمیسیون مشترک دو مجلس رسید، در چند قسمت اصلاح شد. آیین نامه های این دو



قانون، به ترتیب مصوب شهریور ۱۳۱۸ و تیر ماه ۱۳۴۱ بودند. در آبان ماه ۱۳۵۸ لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان به تصویب شورای انقلاب رسید و بالاخره قانون بازسازی کارشناسان رسمی دادگستری در خرداد سال ۱۳۶۵ تصویب شد. مدت این قانون که به صورت آزمایشی اجرا می‌شد، پایان پذیرفته است و امروزه به دلیل اهمیت کارشناس؛ در بیشتر پرونده ها می توان ارجا به نظر کارشناس را مشاهده کرد.

اهمیت کارشناسی:

کارشناس و اهل خبره دارای آگاهی، تخصص و مهارت خاص همواره در روند حل و فصل اختلافات بشر مورد رجوع مردم وقضات بوده اند و فقیهان اهمیت کارشناس را از دیر باز در یافته و در ابواب مختلف فقه از آن یاد کرده اند چه بسا که گاه قضات ناچار می شدند که برای تحقیق درباره دلایل تقدیم شده و شناخت اماره های واقع و حتی فهم خواسته، جهت دفاع دو طرف دعوا از آن استفاده کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹) [۸]

چراکه در حقوق موضوعه به استفاده از نظر کارشناس در جریان رسیدگی و دیوان داوری در مواقع لزوم تاکید شده است و کمتر پرونده ای در دادگستری مطرح می شود که به علت ساده بودن موضوع آن، قاضی ضرورتی به جلب نظر کارشناس نبیند بلکه به سبب وجود موضوعاتی فنی، قاضی ناچار به کسب نظر متخصص مربوطه است بخاطر همین امر جلب نظر کارشناس، نقش ویژه ای در جنبه های مختلف زندگی اجتماعی ایفا می کند و هر روز بر اهمیت این نقش افزوده می شود در کل باید گفت امروزه کارشناسی در کل زندگی انسان بخصوص در رسیدگی قضایی نقش برجسته تر و هر روز مهم تر را به عهده دارد. عامل آن نیز از یک طرف، پیشرفت های علمی و صنعتی بشر است که راه هایی را به کشف واقع گشوده است که پیش از این در وهم نیز نمی گنجید. از جانب دیگر، زندگی نوین در جوامع پیچیده و صنعتی معاصر دشواری های ویژه خود را دارد و مسائل پیچیده ای را مطرح می سازد که حل آنها نیاز به تخصص دارد.

ادله فقهی حجیت نظر کارشناس:

رجوع به کارشناس از جمله ابزارهایی است که در حل و فصل اختلافات بسیار کاربرد دارد ولذا در حقوق اسلام مربوط به احکام نیست بلکه در ابواب مختلف می توان آنرا مشاهده کرد و در منابع فقهی رجوع به کارشناس و اهل خبره به طرق مختلف به آن اشاره شده است که می توان در آیاتی از قرآن کریم، روایاتی از رسول اکرم (ص) و دیگر معصومین (ع)، اجماع و بنای عقلاء جستجو کرد که به طور مختصر مواردی در ذیل بیان میگردد.

۱- کتاب: از جمله آیات قرآن کریم که می توانند بر رجوع به اهل خبره (کارشناس) دلالت کنند عبارت است از :

(وَمِمَّا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَى رَجُلٍ قَالَ نُوحِيَ إِلَيْهِمْ، فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) نحل ۱۶/ ۴۳

«و پیش از تو نفرستادیم جز مردانی که به آنان وحی می کردیم، پس از دانایان پرسش کنید اگر نمی دانید»

اما آنچه در این آیه بدان ظهور دارد این است که شخص ناآگاه باید از افراد آگاه پرسش کند تا برای وی و لو به صورت اجمال، علم و آگاهی حاصل شود.

در این آیه وجوب پرسش مستلزم وجوب قبول و ترتیب اثر بر اوست و الا پرسش بیهوده است و هنگامی که قبول جواب پرسش واجب باشد هر چیزی که پرسش از آن صحیح است [در صورتی که اهل ذکر- دانایان- بیان کنند] پذیرش آن واجب است، زیرا خصوصیتی در این نیست که حتما قبل از پاسخ پرسش شود و در پاسخ پرسش مطلبی را گفته باشند (منتظری، ۱۴۰۹، ص ۱۵۹) [۹] همانا در کلام خداوند تعالی «اهل



الذکر» ظهور در اهل خبره داشته از این رو دلالت بر حجیت و اعتبار نظریه و گزارش اهل خبره دارد. در خصوص اینکه «اهل الذکر» چه کسانی هستند تفسیرهای مختلفی در بین مفسران مطرح شده است. بعضی آن را به قرآن تفسیر نموده‌اند به جهت اینکه «ذکر» از اسامی قرآن است... و لکن نظر صحیح و صواب آن است که مقصود از «اهل الذکر» همان صاحبان علم و دانش و بینش هستند، هر یک از این احتمالاتی که در تفسیر «اهل الذکر» گفته‌اند، بیان مصادیقی از مصادیق آن بوده و در واقع تفسیر آیه به مصداق می‌باشد. چنانچه این شیوه متداولی در بسیاری از کتابهای تفسیری و نیز روایات است و اینکه چرا «اهل الذکر» همان اهل خبره می‌باشد این است که ذکر در لغت به معنای مطلق علم می‌باشد بدون تقیید و خصوصیتی؛ و ملاحظه موارد استعمال این ماده و مشتقات آن در قرآن کریم مانند کلام خداوند تبارک و تعالی «لعلکم يتذكرون» بر آن شهادت و گواهی می‌دهد. بنابراین منظور و مقصود از کلمه «اهل» در این آیه این است که هر کسی که عالم و دانا باشد در موضوعی از موضوعات و مسأله‌ای از مسائل، متخصص بودن نسبت به یک موضوع را بیان می‌کند که می‌توان جهت رفع جهل بدان رجوع کرد. (مکارم شیرازی ۱۴۱۶، ص ۲۳۰) [۱۰]

(ا) اَبَتْ اِنِّي قَدْ جِئْتُكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ، فَاتَّبِعْنِي اِهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا (مریم ۱۹/ ۴۳)
«ای پدر [به نقل از ابراهیم خلیل الرحمن (ع)] به من علومی داده شده که به توداده نشده، پس مرا پیروی کن تا تورا به راه راست هدایت کنم»
در این آیه معنی مناقشه در استدلال به گفتار ابراهیم خلیل (ع) به پدرش روشن می‌گردد و آیه بر وجوب اطاعت و پیروی از افراد آگاه و دانا در مسائلی که می‌دانند دلالت دارد.

(و) وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً، فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ، وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ- (توبه ۱۲۲/ ۹)

چنین نیست که مؤمنان همه به یکباره کوچ کنند، پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان افرادی کوچ نمی‌کنند تا مسائل دینی را فرا بگیرند- در دین تفقه کنند و آنگاه که به نزد قوم و عشیره خود برگشتند آنان را انداز کنند، شاید از نافرمانی خداوند حذر کنند.

در مورد این آیه نمی‌توان آن را فقط در مورد احکام الهی منحصر دانست، اگرچه مورد آن، ابتدا یادگیری و سپس بیان احکام الهی بوده است. روایت عبد المؤمن انصاری به نقل از امام صادق (ع) است که در تفسیر این آیه می‌فرماید: (فامرهم ان ينفروا الى رسول الله (ص) فيتعلموا ثم يرجعوا الى قومهم فيعلموهم)

«خداوند سبحان آنان را مأمور نموده که به نزد رسول خدا (ص) بروند و [مسائل اسلام را] فرا بگیرند، آنگاه به نزد قوم خود بازگردند و به آنان بیاموزانند» (عاملی، ۱۴۰۹، ص ۱۰۱) [۱۱]

۲- سنت: روایاتی متعددی در مورد اهل خبره در ابواب مختلف وارد شده و ضمن آن برخی از شیعیان را به برخی دیگر ارجاع داده‌اند. و در مقام بیان افراد صاحب فن (اهل خبره) است که دارای تخصص و مورد اطمینان می‌باشند، این گونه روایات نیز زیاده که به مواردی از آنها اشاره خواهیم کرد.

کلینی از محمد بن عبد الله حمیری و محمد بن یحیی جمیعا از عبد الله بن جعفر حمیری، از احمد بن اسحاق، از ابی الحسن امام علی نقی (ع) روایت نموده که از آن حضرت پرسش کردم و گفتم: با چه کسی مراوده داشته باشم یا از چه کسی برنامه‌ها و دستورات دین را بگیرم، و قول چه کسی را قبول کنم؟ حضرت فرمود:

«عمری مورد اعتماد من است، آنچه را که از من به تو می‌رساند از من است و آنچه از من برای تو می‌گوید، از سوی من به تو گفته، پس از وی شنوائی داشته باش و او را پیروی کن، چرا که او مورد اطمینان و امین است».

(کلینی، ۱۴۰۸، ص ۱۳) [۱۲]

روایتی که عبد العزیز بن مهتدی و حسن بن علی بن یقطین هر دو از امام رضا (ع) نقل کرده‌اند که می‌گوید به آن حضرت عرض کردم: من نمی‌توانم هر موقع که خواستم خدمت شما برسم و آموزش‌های دینم را از شما سؤال کنم، آیا یونس بن عبد الرحمن مورد اعتماد است که



آموزش‌های دینم را از وی سؤال کنم؟

فرمود: بلی. (عاملی ۱۴۱۳ ص ۱۰۷) [۱۳]

روایت معروف از پیامبر گرامی (ص) همین مسئله اشاره دارد: «انما اقصی بینکم بالبینات و الایمان، و بعضکم الحن بحجته من بعضی، فایما رجل قطعت له من مال اخیه شیئا، فانما قطعت له به قطعه من النار»
در بین شما بر اساس سوگند و شاهد قضاوت می‌کنم، بعضی از شما در آوردن دلیل توانا تر از برخی دیگر است. اگر به ناحق و با توجه به دلیل، مالی را به او بدهم همانند این است که یک قطعه از آتش دوزخ را به او داده‌ام. (عاملی، ۱۴۱۳ ج ۲۷) [۱۴]
با توجه به این که روایات میزان اعتبار رجوع به اهل فن و متخصص مورد اطمینان برای رفع جهل مشخص میشود و برای روشن ترشدن می توان به قضاوت‌های محیر العقول امیر المومنین (ع) اشاره کرد. مبین این نکته اند که حاکم شرع برای کشف واقعیت و مجرم از وسایل و ابزارهایی به جز (بینات وایمان) نیز می توان استفاده کند و ناگفته نماند که خصوصیات و مواردی که موضوع بررسی آن حضرت قرار گرفته اند، هر چند قابل تکرار نیستند و در حقیقت به عنوان (قضیه فی واقعه) بوده است. با این حال می توان از آن بهره کلی گرفت.
قضاوت‌های حکیمانه مولا (ع) که با وسایل و ابزاری جز (بینات وایمان) انجام یافته است به خوبی روشن میکند که دستگاه قضایی مفید و رافع؛ نیاز جامعه است و می بایست دست به ابتکارات محققانه بزند و از صدور رای صحیح و احقاق حق مظلومان و ستمدیدگان از اتخاذ روشهای حکیمانه دریغ نورزد. و با صرف حوصله و دقت کامل و جدیت برای کشف حقیقت بکوشد و از اشخاصی که در فنون مختلف تخصص دارند باری بجوید زیرا حفظ جان مال و ناموس جامعه به عهده قضات نهاده شده و از آنان پیمان گرفته شد است که (لایقاروا علی کظه ظالم و لاسغب مظلوم) هرگز از تندروی های ستمگران و محرومیت‌های ستم کشیدگان چشم فرو نهند و ارامش نیابند. (باقر موسوی، ص ۲۶۶-۲۶۵، [۱۵])

۳- اجماع: یکی دیگر از مواردی که می توان به عنوان منابع فقهی قاعده رجوع به عالم مطرح کرد اجماع می باشد. اجماع را می توان اتفاق نظر فقها در مسئله شرعی دانست به نحوی که کاشف از قول معصوم باشد.

بر اساس نظر اجماعی فقها، اصل بر اعتبار و حجّیت نظر اهل خبره است، و مهم ترین دلیل آن نیز سیره و بنای عقلا و حکم عقل در رجوع جاهل به عالم است؛ یعنی اساس نظامات انسانی بر همین اصل و قاعده استوار است. بخصوص در زندگی معاصر، زیرا مسلم است که انسان ها نمی توانند به تنهایی همه مسائلی که مربوط به زیست و زندگی بشری است، احاطه و آگاهی داشته باشند، پس تقسیم کار به وجود می آید. اساس، پایه و علت تقسیم کار، بر عدم تسلط همه انسان ها بر همه مسائل مرتبط با زندگی بشری است. در چنین ساختاری اصل مراجعه جاهل به عالم و دانای یک مسئله امری است عقلی که نه تنها شرع از آن ردع و منع نکرده، بلکه نمی توانسته است به وجه عام و کلی آن را تحریم و بایکوت کند؛ زیرا این اصل زیربنای تمدن بشری به شمار می رود و یک مسئله عقلی است. اعتبار کارشناسی و نظر اهل خبره بر اساس بنای عقلا و عدم منع و ردع شارع از عمل بر اساس آن است.

به نظر می رسد اجماعی که از سمت فقها و عالمان دین نسبت به این قاعده صورت گرفته می تواند به عنوان منبع برای حجیت نظر کارشناس مطرح کرد چنان که بیشتر فقها بر این امر اتفاق نظر دارند و رجوع به اهل خبره و متخصص مورد وثوق را در ابواب مختلف فقه مطرح و دلیل خود را بنای عقلاء دانسته اند.

۴ - سیره عقلاء: یکی دیگر از منابع فقهی که درباره ی رجوع به نظر کارشناس مطرح می باشد و فقها آنرا مهمترین دلیل ذکر کرده اند سیره عقلاء که متشکل از دو مقدمه می باشد :

۱- در جوامع و نظام های گوناگون و فرهنگهای مختلف در تمامی علوم و فنون و هر حرفه و صنعتی سیره بر رجوع جاهل بر عالم است.



۲- از آنجا که شارع از عقلاء بلکه رئیس ایشان است و ردعی از او نسبت به این سیره ثابت نشده و مخالفتی از جانب ائمه علیه السلام در روایات نسبت به این سیره (رجوع جاهل به عالم مورد وثوق) دیده نشده است. معلوم می شود با این سیره موافق است.
بیان سیره:

در هر عصر و هر کشور و در همه امت ها و مذاهب بر این بوده که در هر علم و فن افراد ناآگاه به افراد متخصص که مورد اطمینان باشند مراجعه می کرده اند. که گاهی از این فرد به اهل خبره تعبیر می شده است.
از باب مثال شخص مریضی به طبیب حاذق مورد اعتماد مراجعه نموده و به نسخه وی عمل می کند و یا خریدار و فروشنده در معامله به فرد متخصص در شناخت متاع و آگاه به قیمت بازار مراجعه می کنند و همچنین در سایر امور تخصصی که نیاز به کارشناسی دارد، رجوع جاهل به عالم، مقتضای عقل فطری هر انسانی است. از این رو کسی که راهی را نمی شناسد از کسی که آن را می داند سؤال می کند.
و بلکه هیچ جامعه و نظامی اجمالا بدون رجوع به خبره پایدار نمی ماند، زیرا هیچ مجتمعی را نمی توان یافت که همه افرادش از علوم مورد نیاز بهره مند باشند و در همه زمینه ها نسبت به مسائل روزمره خود شناخت تفصیلی داشته باشند علوم از قبیل مهندسی ساختمان، طبابت، صنعت و حرفه های مختلف مورد نیاز و ضروری جامعه و حتی در زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز در زمینه مسائل فقهی برخی اصحاب و یاران آنان از برخی دیگر نظرخواهی فقهی می کرده و به گفته وی عمل می کرده اند و آنچه مسلم است عقل نظری حکم می کند زمانی که شخص جهل به موضوعی داشته باشد به شخصی که علم و تخصص به آن دارد رجوع و سوال کند و خود را از خطا و ضرر دور کند یا صاحب منفعت و دفع ضرر شود. لذا یک حکم فطری است که در وجود هر انسانی می توان یافت.

مبنای سیره:

در بیان مبنای این سیره باید گفت: این سیره عقلا با امضای شارع همراه است ردعی هم در آن صورت نگرفته است و در سیره اهل شرع، بدون نیاز به تأکید، حجت است. اما آیات و روایاتی که مورد نهی واقع شده تقلید فرزندان از پدران یا پیروی تعصب آلود از فرمانروایان و رؤسا بوده است که در حقیقت باید گفت تقلید جاهل از جاهل یا تقلید از فرد فاسق غیر مطمئن، می باشد، نه رجوع فرد نادان به دانای مورد اعتماد، که این یک امر فطری و ضروری است که در یک زندگی جمعی چاره ای جز آن نیست اگر چه آن جامعه در بالاترین مراتب کمال و ترقی باشد و احتمال خلاف و خطایی که در عمل اهل خبره در صنایع و فنون در تمامی زمینه ها از سوی صاحب نظران ارائه شده است بسیار اندک بوده که عقلاء به آن اعتنایی نکردند.

چنین سیره ای از قدیم الایام تاکنون در بین عقلاء رایج بوده و کسی هم منکر آن نشده و مخالفتی با آن صورت نگرفته است دلیل این امر این است تحول و پیشرفتی که در علوم و فنون صورت گرفته و تخصصی شدن هر چه بیشتر رشته ها این توان را به افراد نمی دهد که بتوانند در همه زمینه ها تخصص بدست آورند به این دلیل به ناچار در مواردی باید برای رفع جهل خود به متخصص رجوع کنند. و نظرات اهل خبره (کارشناس) به نوعی علم عرفی است که اعتماد عقلاء را به خود جلب کرده است.

کارشناسی در حقوق موضوعه:

به دلیل شناخت و مشخص شدن جایگاه کارشناس به بررسی برخی مسائل همچون میزان اعتبار نظر کارشناسی، میزان تاثیر نظر کارشناسی، اختیارات قضات در ارزیابی نظر کارشناس و کارشناسی را به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی در حقوق موضوعه مختصر آ خواهیم پرداخت.



۱- اعتبار نظر کارشناسی:

در خصوص حجت بودن نظریه کارشناسی برای قاضی، دیدگاهها متفاوت بوده و در قوانین کشور ما هم این موضوع تقریباً مسکوت مانده است. دیدگاه اکثریت و مشهور این است که قاضی با استناد به ماده ۲۶۵ ق.آ.د.م. در قبول یا رد نظریه کارشناسی مخیر خواهد بود، ولی دیدگاه اقلیت، برعکس، قاضی را مخیر نمی‌داند، چون معتقدند مخیر بودن قاضی در قبول یا رد نظریه کارشناس متخصص چیزی جز طواری دادرسی در دادگاهها نخواهد داشت.

قانونگذار برای کارشناسی و نظر کارشناس شرایطی از جمله مورد وثوق بودن کارشناس، داشتن صلاحیت علمی و فنی لازم در خصوص موضوع ارجاع شده (ماده ۲۵۸ ق.آ.د.م)، صریح و موجه بودن وعدم مخالفت نظر کارشناس با اوضاع و احوال را مقرر کرده که حصول این دلیل بر معتبر بودن نظر کارشناس است.

در مورد چگونگی اعتبار نظر کارشناسی حکمی که نظیر حکمی که در قوانین کشورهای عربی آمده و به صراحت اعلام کرده است که نظر کارشناس، قاضی را ملزم نمی‌کند در قوانین کشور ما نیامده است. با وجود این، در قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۲۶۵ اعلام شده است: «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد.» با وجود این، می‌توان گفت ماده ۲۶۵ ق.آ.د.م دلالتی بر مکلف بودن قاضی به ترتیب اثر دادن به نظر کارشناسی، در غیر از موارد عدم مطابقت آن با اوضاع و احوال محقق ندارد. و همچنین طبق نظریه شماره ۷/۹۳۲-۳/۱۶-۱۳۷۸ اداره حقوقی قوه قضائیه:

نظر کارشناس یکی از ادله اثبات دعوی است مگر این که قاضی تشخیص دهد منطبق با واقع نیست زیرا منطوق ماده یاد شده، قاضی را ملزم کرده که در صورت تشخیص عدم مطابقت نظر با اوضاع محقق، از ترتیب اثر دادن به آن خودداری کند. این ماده دلالت بر این مفهوم ندارد که در غیر از موارد عدم مطابقت نظر با اوضاع محقق، قاضی ملزم به ترتیب اثر دادن به نظر کارشناس باشد.

به عبارت دیگر، ماده ذکر شده، دلالت بر این ندارد که مورد ترتیب اثر ندادن به نظر کارشناس منحصر به عدم مطابقت آن با اوضاع محقق است. (خلعبری، ۱۳۲۹ ص ۱۴) [۱۶] دلیل این مطلب آن است که در ماده ۲۶۲ همان قانون، صریح و موجه بودن نظر کارشناس، به صراحت شرط شده است و بدیهی است که قاضی نمی‌تواند به نظر مبهم و مجمل و ناموجه کارشناس ترتیب اثر دهد. همچنین به موجب ذیل همان ماده در صورتی که نظر کارشناس تا قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر واصل نشود، دادگاه به آن ترتیب اثر نمی‌دهد. همچنین به موجب ماده ۸۷ و ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری در صورت تعارض نظر اهل خبره یا مشکوک بودن آن، قاضی می‌تواند به آن ترتیب اثر ندهد و از خبرگان دیگری دعوت نماید.

علاوه بر این، در صورت ناقص بودن نظر کارشناس یا عدم رعایت حدود و خارج بودن آن از موضوع ارجاع شده، قاضی نمی‌تواند به آن ترتیب اثر دهد. نتیجه اینکه نمی‌توان ماده ۲۶۵ ق.آ.د.م را قاعده عام مربوط به اعتبار نظر کارشناس در حقوق کشور ما دانست، بلکه این ماده در مقام بیان یکی از شرایط اعتبار نظر کارشناس یعنی مخالفت نداشتن آن با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی است. پس در تعیین میزان اعتبار نظر کارشناس، لازم است که شرایط دیگر از قبیل صریح و موجه بودن، مطابق بودن با موضوع کارشناسی، کتبی بودن، رعایت مهلت و مشکوک و متعارض نبودن در آن رعایت شود و قاضی با بررسی کارشناسی از جهت وجود شرایط (در صورت احراز بودن شرایط) به آن ترتیب اثر می‌دهد. (بازگیر، ص ۲۵۵-۲۶۵ سال) [۱۷]

۲- میزان تاثیر کارشناسی:

با توجه به اهمیتی که قانونگذار نسبت به ارجاع امور به کارشناس داده است اکنون این سوال مطرح می‌شود که نظریه کارشناسی به چه میزان در تعیین تکلیف نهایی پرونده مؤثر است؟



در پاسخ به این سوال می توان گفت، اصولاً در سایر امور، دادگاه موضوع را به کارشناس ارجاع می دهد پاسخ کارشناس و هیأت کارشناسی به دادگاه که در غالب نظریه گزارش می شود هنگامی برای دادگاه اعتبار دارد که با محتویات پرونده و شرایط، اوضاع و احوال مربوطه منطبق باشد به بیان دیگر نظر کارشناس هنگامی به صورت دلیل از دادگاه معتبر خواهد بود که منطبق با واقع بوده و برای قاضی ایجاد یقین کند. همچنین باید توجه داشت که کارشناس حق اظهار نظر قضایی ندارد برای مثال در تصادفات پس از ارجاع موضوع از سوی دادگاه به کارشناس، وظیفه او تعیین علت تامه وقوع حادثه است نه اینکه اظهار نظر کند چه کسی در حادثه مقصر است. کما اینکه اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه شماره ۱۳۷۸/۹/۱۳-۷/۶۴۶۶ اینگونه اظهار نظر کرده است «با توجه به مواد ۸۳ الی ۹۵ ق. آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ تشخیص صحت یا عدم صحت نظریه پزشک قانونی یا اهل خبره به نظر قاضی رسیدگی کننده است تنها وجود گواهی پزشک کافی برای احراز بزهکاری متهم نیست و باید دلایل کافی بر توجه اتهام به متهم وجود داشته باشد»

۳- اختیار قضات در نظر کارشناس:

حقوقدانان اختیار گسترده قضات را در بررسی نظر کارشناس و تصمیم گیری براساس آن مورد تأکید قرار داده اند. مبنای این اختیار گسترده، قاعده عام آزادی قضات در ارزیابی ادله اثبات دعوی به منظور تحصیل قناعت وجدانی است. به این بیان که در حقوق کشورهای عربی، قاضی اختیار دارد به بررسی دلایل بپردازد و تنها در صورتی که در نتیجه این بررسی ها، قناعت وجدانی حاصل کرد، به آن ترتیب اثر می دهد و براساس آن حکم صادر می کند. در غیر این صورت با بی اعتبار شناختن دلایل، از مبتنی کردن حکم خود بر آنها خودداری می کند. (خضیر القیسی، ۲۰۰۱، ص ۸۷-۸۶) [۱۸]

بر این اساس اعلام کرده اند که کارشناس نیز مشمول این قاعده عام و تحت اختیار وسیع قاضی در بررسی ادله قرار دارد. بنابراین قاضی مکلف به قبول نظر کارشناس و صدور حکم براساس آن نیست. به عبارت دیگر نظر کارشناس تکلیفی برای قاضی ایجاد نمی کند و نسبت به او لازم الرعایه نیست بلکه قاضی براساس اختیار وسیع خود در بررسی ادله به ارزیابی نظر کارشناس می پردازد. با وجود این برخی از نویسندگان عربی بر لزوم بیان رد نظر کارشناس در حکم دادگاه تأکید کرده اند، اما برخی دیگر بیان دلایل رد را ضروری ندانسته اند. علاوه بر این، قاضی مجاز است بخشی از نظر را رد و بخشی دیگر را بپذیرد. این اختیار گسترده برای قاضی در ارزیابی نظر کارشناس، در قوانین و آراء محاکم و نزد حقوقدانان کشورهای عربی، مورد قبول و تأیید واقع شده است. (ابوسعبد ۱۴۹۸، ص ۱۳-۱۴) [۱۹]

با وجود این، اختیار وسیع قاضی در ارزیابی نظر کارشناس در کشورهای عربی، تحت نظارت دیوان کشور قرار دارد و در آراء متعددی دیوان کشور، به تشخیص دادگاه در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار نظر کارشناس، ایراد گرفته و به همین دلیل، حکم صادر شده بر این اساس را نقض کرده است. (در عین حال برخی بر موضوعی بودن رسیدگی در این زمینه تأکید کرده اند و آن را خارج از نظارت دیوان کشور دانسته اند.

۴- کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی:

در حقوق موضوعه، کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی به رسمیت شناخته شده است در حقوق کشور ما، در قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از ادله اثبات دعوی شناخته شده و احکام آن در قانون یاد شده و قوانین مربوط به کارشناسی و سایر قوانین بیان شده است. با وجود این در کتاب سوم قانون مدنی نامی از کارشناس برده نشده است.

در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین مربوطه، ارجاع به کارشناس و انتخاب کارشناس، تابع نظامات خاص است در امور کیفری نیز مواد ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۶۹، ۴۶۳، ۴۶۱، قانون مجازات اسلامی رجوع به کارشناس و اهل خبره را تجویز و مطابق مواد ۸۸، ۸۷، ۸۵، ۸۴، ۸۳ آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری به دعوت از اهل خبره به منظور اظهار نظر از جهت علمی و فنی و معلومات مخصوصی و حتی جلب آنان در جرایم مخل امنیت و خلاف نظم عمومی در صورت عدم حضور بدون عذر موجه اشاره شده است با توجه به مواد قانونی مربوط به کارشناس معلوم می گردد که کارشناس از دلایل مهم اثبات است و مورد توجه خاص قانونگذار قرار گرفته



است. در عمل نیز، در بسیاری از پرونده‌های مطرح شده در دادگستری مسأله استناد و ارجاع به کارشناس پیش می‌آید و کمتر پرونده‌ای را می‌توان یافت که در آن، ارجاع به کارشناس، لازم نباشد.

نتیجه گیری:

با توجه به مباحث مطروحه نتایج زیر حاصل می‌گردد.

۱- در همه زمانها و مکانها، سیره عقلا بر رجوع به اهل خبره بوده است. فقها وجود استقرار چنین سیره‌ای را اجماع ثابت و مسلم دانسته‌اند و با عدم ردع آن توسط شارع، آن را مورد تأیید شارع شناخته‌اند. بر این اساس نظر اهل خبره از دیدگاه فقها به خاطر تأیید شارع معتبر است و در نهایت، اعتبار و حجیت آن به سنت که یکی از ادله اصلی احکام شرع است و شامل قول، فعل و تقریر معصوم (ع) می‌شود، برمی‌گردد.

۲- فقها، در موارد متعدد و موضوعات مختلف به نظر اهل خبره استناد کرده و از آن سخن به میان آورده‌اند در ابواب مختلف فقه مانند، معاملات، دیات، و... عبارات نظر اهل خبره و سایر اهل فن و مهارت، مورد توجه قرار گرفته است. این مطلب، اهمیت فراوان و کاربرد وسیع نظر اهل خبره در فقه را نمایان می‌سازد. وانگهی با توجه به شیوه فقها که کمتر به بیان اصول و قواعد کلی به صورت متمرکز پرداخته‌اند در ضمن مسائل و مصادیق خاص، احکام و قواعد کلی را تبیین کرده‌اند در خصوص نظر اهل خبره نیز این مطلب به صورت متمرکز مورد بحث واقع نشده بلکه در ضمن مصادیق احکام کلی آن نیز بیان شده است. بنابراین در فقه، مباحث مربوط به نظر اهل خبره به ویژه در باب اجتهاد و تقلید و در باب معاملات مطرح شده است.

۳- در حقوق موضوعه، قانونگذار جهت اعتبار نظر کارشناس شرایطی را قرار داده است که در صورت محرز شدن آن شرایط، نظر کارشناس را معتبر می‌داند ولی وجود این شرایط هیچگونه دلالتی بر مکلف بودن قاضی به ترتیب اثر دادن نظر کارشناس در غیر از موارد عدم مطابقت با اوضاع و احوال محقق ندارد. ولذا قاضی در صورت لزوم به نظر کارشناس استناد خواهد کرد چرا که نظر کارشناس، اظهار نظری بیش نیست و قاضی نسبت به قبول یا رد آن مخیر است و در اصل قاضی بر اساس اختیار وسیع خود به بررسی و ارزیابی ادله خواهد پرداخت.

۴- در حقوق کشور ما، کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی به رسمیت شناخته شده است. در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین دیگر ارجاع به کارشناس تابع نظامات خاص مطرح شده است و در عمل نیز، صدور احکام در بسیاری از پرونده‌های مطرح شده در دادگستری به نظر کارشناس استناد شده است

در پایان به نظر می‌رسد که در شرایط فعلی و تخصصی شدن امور و تفکیک تخصص و همچنین با توجه به پیچیده شدن پرونده‌های دادگستری (مخصوصاً در زمینه‌های صنعتی، تصادفات، پزشکی و غیره که قاضی هیچ تخصصی در این زمینه ندارد) چاره‌ای جز استناد به نظریه کارشناس متخصص نداشته باشد مگر اینکه با ایراد نظر و دلایل موجه، عدم مطابقت نظریه کارشناسی با اوضاع و احوال محقق و معلوم گردد.



مؤسسه آزاد اسلامی
واحد زرقان



مرکز آفرین علمی و پژوهشی



96170-82805



پایگاه اطلاعات علمی جهان



Pare Int



CIVILICA



مؤسسه آزاد اسلامی



مؤسسه آزاد اسلامی

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق-کتابخانه گنج دانش- چاپ اول ۱۴۱۹ه.ق
- ۳- خلعتبری، ارسلان، مقاله «کارشناسی» مجله کانون وکلا، شماره ۱۸-۱۹، سال ابان ۱۳۲۹ش
- ۴- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۳و ۲، انتشارات دراک. ۱۳۸۴ش
- ۵- عاملی. زین الدین بن علی (شهید ثانی) مسالک الافهام، ج ۱۴. مؤسسه نشر اسلامی ۱۴۱۹ه.ق
- ۶- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه ق
- ۷- درویشی هویدا. یوسف، شیوه های جایگزین حل فصل اختلاف ، (ADR)تهران -نشر میزان-۱۳۸۸ ش
- ۸- روزنامه رسمی
- ۹- کاتوزیان. ناصر. اثبات و دلیل اثبات ج ۲. تهران . نشر میزان . چاپ سوم . سال ۱۳۸۵ش
- ۱۰- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ ه ق
- ۱۱- موسوی، محسن باقر، القضا و النظام القضایی عند الامام علی(ع)، نشر الغدير. بیروت
- ۱۲- مظفر. علامه محمد رضا، اصول فقه تعلیق و تحقیق علی شیروانی. انتشارات دار العلم. قم. ۱۳۷۸
- ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، مطبوعات هدف ج ۱، چاپ دوم ۱۴۲۱ه.ق
- ۱۴- مدنی سید جلال الدین ، آیین دادرسی کیفری نشر امیر کبیر ،تهران ،۱۳۶۴ش
- ۱۵- مردانی، نادر و بهشتی، محمد جواد، آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ، جلد اول، ص ۱۵۳، ۱۳۸۰
- ۱۶- میرزایی احمد، فصلنامه «علمی تخصصی» عدالت شماره ۶، صفحه ۷-۳۶ دوره جدید بهار ۱۳۹۰ش
- ۱- مجموعه قوانین و مقررات مربوط به کارشناسان و مترجمان رسمی دادگستری ، تدوین عباس ایمانی، انتشارات نای هستی، ۱۳۸۵ش
- ۱۹- منتظری نجف آبادی، حسین علی - مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابو ال، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۸ جلد، مؤسسه کیهان، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه ق
- ۲۰- سایت قضایی: www.ghazavat.com